



حاج حسان اللقیس در حال نوشتن یادداشت یادگاری برای حمیدرضا داوودآبادی

می کرد. سه شنبه شب ۱۷ مرداد ۱۳۸۵ مطابق با ۱۳ رجب، ولادت امیرالمؤمنین علی (ع)، نیروهای امنیتی رژیم صهیونیستی، با ردگیری تلفن همراه یکی از نیروهای مقاومت، توانستند به محل علی پی ببرند. آن‌ها به این خیال بودند که حاج حسان در آن جا قرار دارد. دقایقی طول نکشید که هواپیماهای اسرائیل به منطقه شیاح حمله کرده و با موشک، آپارتمان محل سکونت علی‌رضا را هدف قرار دادند که طی آن، ده‌ها تن دیگر از مردم بی‌گناه به شهادت رسیدند و تعدادی نیز مجروح شدند. صهیونیست‌ها از این عملیات شادمان شدند؛ چون تصورشان بر این بود که سرانجام توانسته‌اند حسان اللقیس را هدف قرار داده و به قتل برسانند.

صهیونیست‌ها که به شدت به دنبال زدن حاج حسان بودند، ساختمانی را در منطقه شیاح هدف موشک قرار دادند که پسر بزرگ او -علی‌رضا- در آن به شهادت رسید. ۶ ماه پس از جنگ ۳۳ روزه و شهادت علی‌رضا، ضربه سخت دوم بر روحیه حسان وارد شد. دختر ۱۵ ساله‌اش -آیه- بر اثر حادثه فوت کرد. این مسئله برای او بسیار گران آمد. حسان وابستگی شدیدی به خانواده داشت، به طوری که خودش با اتومبیل فرزندانش را به مدرسه می‌رساند.

◀ حاج حسان از زبان صهیونیست‌ها

حسان اللقیس کسی است که رئیس سابق سرویس اطلاعاتی موساد «مئیر داگان» درباره او گفته بود: «قطعاً او دلیل اصلی است که به حزب‌الله قدرت نظامی‌ای داده که ۹۰ درصد کشورها از آن بی‌بهره‌اند؛ یا بدون شک او بر ساخت سیستم پایدار و مستحکم در سال ۲۰۰۶ با حاج عماد مغنیه کار کرده است، یا آن مرد، مأمور خرید تجهیزات نظامی و تکنولوژیکی حزب‌الله است.»

◀ ماجرای دیدار حاج حسان و امام خامنه‌ای

پس از شهادت او، یکی از همزمانش گفت: حاج حسان یک ماه پیش از شهادتش به ایران رفت و در آن جا به زیارت حضرت امام سیدعلی خامنه‌ای شتافت. در آن دیدار، حسان صورت و محاسن آقا را بوسید و از حضرت آیت‌الله خامنه‌ای درخواست کرد برای شهادت او دعا کنند؛ حضرت آقا در پاسخ به خواسته حاج حسان گفتند: «من برای شما دعا می‌کنم که عاقبت به خیر شوید.»

◀ همواره تشنه علم و اطلاعات بود

یکی از خصوصیات بارز حاج حسان این بود که هیچ‌گاه و در برابر هیچ‌کس، وانمود و اظهار نمی‌کرد که همه چیز را بلد است و می‌داند. همواره تشنه علم و اطلاعات بود و این در اخلاق و رفتارش به‌خوبی دیده می‌شد. مثلاً اگر کسی درباره شیوه کار با تجهیزات و یا وجود وسایلی جدید صحبت می‌کرد، مشتاقانه می‌نشست به حرف‌های او گوش می‌داد و در ذهن خود آن را تجزیه و تحلیل می‌کرد. برایش هم فرق نمی‌کرد آن فرد کیست و سطح علم و آگاهی‌اش چه میزان است. مهم حرفی بود که می‌زد.

تایبستان ۱۳۷۵، یکی از شب‌ها، همراه چندتایی از بچه‌ها، در بعلبک شام را میهمان حاج حسان در خانه‌شان بودیم. پس از شام، نشسته بودیم به صحبت و تعریف خاطرات. ناگهان چیزی به ذهنم رسید. به‌تازگی یک لنز «فیش آی» (چشم ماهی) برای دوربین عکاسی کانن خود خریده بودم تا بهتر از مناظر و مناطق وسیع عکس بگیرم. لنز را روی دوربین بستم و دادم دست حاج حسان. خوب که در آن دقیق شد، مشتاقانه گفت چنین لنزی خیلی به‌کارشان می‌آید و با آن می‌شود از



شهید «علیرضا اللقیس» فرزند شهید «حسان اللقیس»



فرمانده حسان اللقیس در کنار شهید عماد مغنیه

حسان اللقیس کسی است که رئیس سابق سرویس اطلاعاتی موساد «مئیر داگان» درباره او گفته بود: «قطعاً او دلیل اصلی است که به حزب‌الله قدرت نظامی‌ای داده که ۹۰ درصد کشورها از آن بی‌بهره‌اند؛ یا بدون شک او بر ساخت سیستم پایدار و مستحکم در سال ۲۰۰۶ با حاج عماد مغنیه کار کرده است، یا آن مرد، مأمور خرید تجهیزات نظامی و تکنولوژیکی حزب‌الله است»